



University of
Sistan and Baluchestan

The evolution and evolution of Savior Bauer's thought from the avesta of the earlier to the sources of Pahlavi

ShirzadBastami¹ | Shokouhossadat Arabi Hashemi² | Mohsen Rahmati³

1. Ph.D. Candidate, Department of History, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.
E-mail: bastamishirzad@gmail.com
2. Corresponding Author, Department of History, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran
E-mail: shokouharabi@gmail.com
3. Professor, Department of History, Lorestan University, Khorramabad, Iran. E-mail: mohsenrahmati45@gmail.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 10 May 2022

Received in revised form:

15 June 2022

Accepted: 18 June 2022

Published online: 29 June

2022

Keywords:

Ahura Mazda,
Zoroaster,
savior,
Saoshyant,
Frashokereti

ABSTRACT

From Zoroaster time to the time when Avesta and other Pahlavi sources, under the title of Saviorism were written, lots of essential changes have taken place. Passing the centuries, the various historical events (like Alexander's attack), the diversity of dominant schools of thought, and most importantly the Iranian oral tradition dynamism and the consequent changes, all have contributed to the evolution of Saviorism in pre-Islamic Zoroastrianism period. Despite various researches, the researchers have not been able to provide proper perspectives and hypotheses, based on how and why the evolution of Zoroaster's Frashokereti evolution took place, for the end time saviors. Therefore the present study has been written with a saviors evolution approach in Zoroastrian thought in a descriptive-analytical method and based on library data aiming to compile the structure of this evolution. The results indicate that, as for political and social events and clergy scheming, saviors in the minds of the ancient Iranians have gone through a developmental process. The priority of being mighty or wise, the reputation of clergy saviorism the generality of saviors, being racial or not: the dominant ideas that have prevailed over the beliefs of Zoroastrians over the centuries.

Cite this article: Bastami, Sh., Arabi Hashemi, Sh.S & Rahmati, M. (2022). Title of paper. *Studies in Comparative Religion and Mysticism*, 6 (1), 115-134. DOI: 10.22111/jrm.2022.42676.1093



© The Author(s).

DOI: 10.22111/jrm.2022.42676.1093

Publisher: University of Sistan and Baluchestan

سیر تحول و تطور اندیشه منجی باوری از اوستای متقدم تا منابع پهلوی

شیرزاد بسطامی^۱ | شکوه السادات اعرابی هاشمی^۲ | محسن رحمتی^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه تاریخ، واحد نجف اباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. رایانه: bastamishirzad@gmail.com
 ۲. نویسنده مسئول، استادیار، گروه تاریخ، واحد نجف اباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. رایانامه: shokouharabi@gmail.com
 ۳. استاد، گروه تاریخ، دانشگاه خرم اباد، لرستان، ایران. رایانامه: mohsenrahmati45@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۲۰</p> <p>تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۳/۲۵</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۲۸</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۴/۱۸</p> <p>واژه‌های کلیدی: اهورا مزدا، زرتشت، منجی، سوشیانت، فرشگرد</p>	<p>از زمان زیست زرتشت تا کتابت اوستا و منابع پهلوی، ذیل موعود باوری و منجی تغییرات ماهوی شکل گرفته است. گذشت سده‌ها و وقوع رخداد های تاریخی، چون حمله اسکندر در این اثنا و ظهور و بروز نحله‌های فکری در این ادوار و از همه مهم‌تر پویایی سنت شفاهی ایرانیان و تغییراتی که به تبع آن می‌آید، همه و همه دست به دست هم داده تا شاهد تحول اندیشه منجی باوری از گاهان تا منابع پهلوی باشیم. علی‌رغم پژوهش‌های گوناگون، پژوهشگران نتوانسته‌اند چشم‌انداز و فرضیه‌های درخوری، مبتنی بر چگونگی و چرایی سیر تطور اندیشه منجی-باوری از اوستای متقدم تا منابع پهلوی ارائه دهند. از این‌رو، پژوهش حاضر با رویکرد تبیین سیر این تطور به روش توصیفی - تحلیلی و بر اساس داده‌های کتابخانه‌ای و اجماع روایات دینی و وقایع تاریخی، سعی در ارائه دیدگاهی تازه در این رابطه دارد. از نتایج به دست آمده چنین بر می‌آید که منجی باوری در اندیشه ایرانیان باستان، بنا بر رخدادهای سیاسی، اجتماعی و تمهیدات موبدان سیری تکوینی طی نموده است. و در طول قرون متمادی این اندیشه از باورهای زرتشت تا زرتشتیان متاخر دستخوش تغییراتی شده است و از وجه خرد باورانه آن به سوی اسطوره باوری رفته است.</p>

استناد: نام بسطامی، شیرزاد؛ اعرابی هاشمی، شکوه السادات؛ رحمتی، محسن (۱۴۰۱). سیر تحول و تطور اندیشه منجی باوری از اوستای متقدم تا منابع پهلوی. *مطالعات ادیان و عرفان تطبیقی*، ۶ (۱)، ۱۱۵-۱۳۴. DOI: 10.22111/jrm.2022.42676.1093



مقدمه

فهم نظریه منجی در دین زرتشتی از جمله موضوعاتی است که اوستاشناسان را همچنان به خود مشغول کرده است. اگرچه باور به آمدن رهاننده یا رهاندگانِ آخرالزمان، بیشتر ساخته و پرداخته دوره‌های متأخر است اما ابداع کلمه سوشیانت (سئوشینت-Saoshyant) توسط زرتشت و طرح آن در گاهان که مفهوم رهاننده و هستی‌بخش را در خود مستتر دارد نشان دهنده‌ی نقطه آغاز اندیشه‌ی منجی‌گرایانه‌ی زرتشتی است که در منابع پهلوی عهد ساسانی با شکل نهایی آن مواجه می‌شویم. از این رو می‌توان سیری تکوینی برای این باورمندی قائل شد. البته آگاهی بر این سیر تطور علاوه بر مطالعه گاهان، اوستای متأخر، منابع پهلوی و پژوهش‌های معاصر، نیازمند اطلاع از عقاید پیشازرتشتی است که مهم‌ترین منبع مکتوب آن ریگ‌ودا باشد. اشراف به داده‌های این منابع، چشم‌انداز سیر تطور منجی‌باوری در اندیشه ایرانیان را ترسیم می‌کند و با تلفیق آن با وقایع تاریخی می‌توان پاسخگوی چرایی این تغییر و تحولات شد.

در بررسی تحولات اندیشه‌ی مزداپرستی، بیش از ۱۵۰ سال از مارتین هاوگ در دهه ۱۸۷۰ میلادی تا قرن بیستم، ذیل جزییات این مبحث، پژوهش‌های ارزنده‌ای شکل گرفته است؛ دارمستتر ۱۸۹۳-۱۸۹۲، بارتلومه ۱۹۲۵، هرمان لمل ۱۹۳۰، هینتس ۱۹۶۱، دالا ۱۹۶۳، موله ۱۹۶۳، جیمز مولتون ۱۹۷۲ و مری بویس ۱۹۸۷ شرحی توصیفی و تحلیلی از منجیان زرتشتی در اوستا ارائه می‌دهند. این پژوهشگران مباحثی را در این موضوع مطرح می‌کنند. از جمله: زرتشت در گاهان به سوشیانت اشاره داشته است یا خیر؟ سوشیانت‌های مفرد و جمع در اوستا اشاره به چه کسانی دارند؟ تشابه و تقابل فرجام‌باوری و فرشگرد چیست؟ همچنین پورداوود در کتابچه سوشیانس (موعود مزدیسنا) که در سال ۱۳۱۶ بشکل جزوه‌ای از سخنرانی وی تدوین شده است سعی در توصیف سوشیانس‌ها در جای‌جای اوستا و منابع پهلوی از جمله بندهش، دینکرد، شایسته‌شایست، صد در بندهش، جاماسب‌نامه و بهمن‌یشت داشته است. از پژوهش‌های نوین نیز می‌توان به آرای ژان کلنز اشاره داشت که در بسیاری از مقالاتش و همچنین کتابش فرجام‌شناسی جهانی را در اوستای کهن زیر سؤال می‌برد و می‌گوید وقتی محققان قرن نوزدهم، فرجام‌شناسی زرتشتی را مطرح می‌کردند از مفسران ساسانی پیروی می‌کردند. متون اوستایی بعد از گذشت یک قرن مطالعه، این چنین

تحلیلی را تایید نمی‌کند. بر اساس گفته‌های وی، در اوستای کهن، "سوشیانت" به وضوح به فرجام‌شناسی جهان ارجاع داده نمی‌شود. (Kellens, 2006: 64)

یان برمر نیز در کتاب عروج و نزول زندگی پس از مرگ، ذیل تاثیرپذیری فرجام‌شناسی مسیحیت از دین زرتشت، استدلال می‌کند: مسیحیت اولیه تحت نفوذ آرای زرتشتی نبوده و مسیحیان زیرسلطه ساسانیان در قرون سوم و چهارم میلادی آرای موعودگرایانه و فرجام‌شناسانه زرتشتی را پذیرفتند. و از استدلال او چنین بر می‌آید که فرجام‌شناسی اوستای کهن و اوستای متأخر دو رویکرد گوناگون را پی‌جسته‌اند. برمر می‌گوید: اولین و تنها متن اوستایی که بدون شک از رستاخیز سخن به میان می‌آورد زامیادیشست است که سرودی روحانی از اوستای متأخر است و مرتبط با زمان هخامنشیان است. این سطور شرح مبسوطی از زنده شدن مردگان ارائه نداده و به نوعی می‌توان گفت هیچ اشاره‌ای به رستاخیز در تفکر ایرانیان قبل از ساسانی یافت نمی‌شود. (Bremmer, 2002: 212)

هر چند در مقاله حاضر وجوهات مشترکی با آرای کلنز و برمر از جمله سیر تکوینی فرجام‌شناسانه زرتشتیان و تغییر نگاه به سوشیانت خاصه از زمان حمله اسکندر به ایران و تکامل آن در عهد اشکانی و ساسانیان دارد، اما ادعای برمر که پشت ۱۹ تنها متن اوستایی است که در مورد رستاخیز سخن گفته، باید گفت در دیگر قسمت‌های اوستا از جمله فروردین‌یشت نیز به رستاخیز اشاره رفته است. اگر چه در ادبیات اوستا به ندرت به فرجام‌شناسی اشاره شده اما تحلیل‌هایی در کارهای موله (Mole, 1963: 144) و دارمستتر (Darmesteter, 1892: 93) وجود دارد که برمر به هیچکدام آنها اشاره نکرده است. از این رو شبهات بسیاری بر آرای برمر در رد آرای اوستاشناسان پیش از خود وارد است. همچنین تحلیل‌های کلنز و برمر در رد نظریه تاثیرگذاری دین زرتشت بر عقاید یهود و مسیحیت است. باید گفت در عهد عتیق، دوره‌ی پیشانبوی و دوره انبیاء اولیه فرجام‌شناسی که در دین زرتشتی متأخر وجود دارد، دیده نمی‌شود. اما در دوره‌های بعدی عهد عتیق یک فرجام‌شناسی عامیانه برگرفته از بابل دیده می‌شود (Mowinkel, 1959: 130) و گویای این باور است که موعودگرایی از دین زرتشت به دین یهود آمده است (Klausner, 1925: 400) از این رو بسیاری زرتشت را اولین متفکر آخرزمانی می‌دانند (Moulton, 1973: 328) اما در کل، موضوع و مسیر تحقیق این مقاله از آرای آنها جداست. در

این مقاله با توصیف تغییر و تحولات منجی باوری از ابتدا تا منابع پهلوی سعی در تحلیل چرایی این سیر تطور شده است.

پیشینه منجی باوری در اندیشه هندواروپایی و آریایی‌ها

در اندیشه آریایی‌های که به نجد ایران مهاجرت کردند منجی، ایزد مهر زورمند است (پورداوود، ۳۷۷ ص. ۴۸۵) بگونه‌ای که مهر پس از عروج، روزی باز خواهد گشت و ایران را از لوٹ وجود بد طینتان پاک خواهد کرد. اما باور زندگی اسطوره‌ای مهر، ایزد جنگ و جنگاوری و خدای زورمندی (پورداوود، ۱۳۷۷ ص. ۴۲۵) بعنوان ناجی بشریت و پیام‌آور روشنایی و حامی جنگاوران و رزم‌آوران (پورداوود، ۱۳۷۷ ص. ۴۲۹) در اذهان اسطوره‌باور آن زمان سهل به نظر می‌آید. در توصیف مهر در مهریشت آمده: «(کسی) که دیوها را سربکوبد کسی که نسبت به اشخاصی که خودشان را مقصر می‌سازند خشم گیرد کسی که از مردم پیمان شکن انتقام گیرد...» (مهریشت، کرده هفت: بند ۲۶) مهر در هیبتی که در مهریشت توصیف می‌شود به‌عنوان ایزدی شکست‌ناپذیر، ناجی پیروزمند در اذهان مردمی که اسطوره، گفتمان مسلط باورمندی آن‌هاست، به‌طور حتم پذیرفته شده است و ذیل این اعتقاد، اعمال خارق‌العاده‌ی قهرمانان مه‌ری نیز باورپذیر می‌شود. ساخت و توسط جمشید پادشاه مهرپرستان و روشن شدن ور، توسط نور جم و نورانی بودن او از جمله اعمال خارق‌العاده‌ای است که در ذهن مخاطب آن زمان مقبول می‌افتد. (بلعمی، ۱۳۸۵ ص. ۸۷) بنابراین می‌توان چنین استنباط کرد، داشتن قدرت و زورمندی و توان انجام کارهای خارق‌العاده از جمله ویژگی‌های منجی آن زمان محسوب شده، کما اینکه در گاهان به این نکته به صراحت اشاره رفته است. در هات ۲۹ روح گاو ماده (گئوش‌رون) به درگاه اهورامزدا گله می‌کند:

«به نزد شما ای خدایان، نفس روح گاو ماده شکایت می‌کند که برای چه کسی کالبد مرا شکل دادی؟ چه کسی مرا آفرید؟ خشم و خشونت و ممانعت مرا در بند نگه داشته است همچنین غل و زنجیر و ستم من هیچ چوپانی به جز شما خدایان ندارم. پس بر من نمایان شو با یک علوفه دهنده خوب ... پروردگارا گئوش‌رون به درگاه تو گله‌مند است برای چه مرا بیافریدی؟ چه کسی مرا کالبد هستی بخشید؟ خشم و ستیز و چپاول و غارت و گستاخی و

تجاوز همه‌جا را فرا گرفته. مرا جز تو پشت و پناهی نیست بنابراین نجات بخشی که بتواند مرا از این تنگنا رهایی بخشد بمن نشان ده» (اوستا، گاتا، هات ۲۹: بند یکم)

و اهورا مزدا در پی این شکایت و مکالمه‌ای که با آشا داشت، زرتشت را به عنوان ناجی معرفی می‌کند. اما گئوش‌رون به انتخاب زرتشت معترض می‌شود. «وی با بانگ بلند می‌گوید: آیا من باید بدون چون و چرا پشتیبانی شخص ناتوانی را قبول کرده و سخنان او را گوش دهم؟ به‌راستی مرا آرزوی شه‌ریار نیرومند و توانایی بود. آیا چه وقت چنین شخصی برای یاری‌ام بپاخیزد و با بازوان نیرومند خود مرا حمایت خواهد کرد؟» (اوستا، گاتاها، هات ۲۹: بند ۹)

در این سطور نوع زیباشناختی انسان آن زمان و شروطی که برای ناجی قائل است از زبان گئوش‌رون آمده است؛ شه‌ریار توانا بودن و داشتن بازوان نیرومند برای نجات گاوان که زرتشت به‌عنوان یک روحانی عاری از آن‌ها بود. یعنی در فرهنگ آن زمان زرتشت به‌عنوان یک ناجی نه دارای قدرت شه‌ریاری جمشید است و نه دارای زورمندی و اعمال خارق‌العاده مهر، اما در این بین رهنامه گاهان، پاسخی است که به شبهه گئوش‌رون داده می‌شود: «ای اهورا مزدا و ای اشا به این‌ها (زرتشت و پیروانش) نیروی معنوی و توانایی بخشید، ای وهومن تو نیز به زرتشت آن را (نیروی اندیشه و هوش و خرد) ارزانی دار تا در پرتو آن به جهانیان آرامش و آسایش بخشد.» (اوستا، گاتاها، هات ۲۹: بند ۱۰)

در این پاسخ، خرد و نیروی معنوی بر زورمندی اولی می‌شود و به تبع آن امدادهای غیبی (حمایت اهورامزدا و امشاسپندان) و همچنین قدرت شه‌ریاری ویشتاسب آمده است و این نقطه شروع جهان‌بینی است که زرتشت رهبر آن است. اما در باورمندی هندوایرانی‌ها مصداق منجی‌باوری را پیش از زرتشت، می‌توان در اسطوره ویشنو در وداها دید. ویشنو از ایزدان سه گانه هندو که در آرای وداها با همان توانی ظاهر می‌شود که ما برای مهر (میتره) قائل بودیم یعنی زورمندی و قدرتمند بودن؛ «او سوار بر اسب با شمشیری از جنس آتش ظهور می‌کند همچنین او گرداننده‌ی گردونه‌ی ۳۶۰ روز سال است و کسی را یارای هم‌وردی با وی نیست» (اوپانیشاد، ۱۳۹۸، ص. ۶۳۷)

ویشنو از ریشه "ویشگ" به معنی چیرگی و نفوذ و نمادی از نیروی آفتاب است که در ادوار مختلف با مظاهر متفاوت ظاهر می‌شود و تاکنون با ۹ پیکر نمود یافته است. او در نوبت دهم به‌صورت مردی به نام کالکی از همه قوی‌تر و نیرومندتر سوار بر اسب و با شمشیری چون ستاره‌ای دنباله‌دار ظهور

می‌کند و با ظلم و ستم خواهد جنگید و جهان را از پلیدی و ناپاکی، پاک می‌کند و خودش به مدت ۱۰۰۰ سال حکومت خواهد کرد. (اوپانیشاد، ۱۳۹۸، ص. ۶۳۷) همان‌طور که در وداها نیز دیده شد ناجی تا پیش از زرتشت با ویژگی‌هایی که برای سوشیانت در گاهان آمده است ظاهر نمی‌شوند بلکه این زورمندی و توان اساطیری منجی است که مضاف بر دیگر وجوهات او، وجه نجات‌بخشی او را در اذهان عموم موجه می‌کند.

۳- منجی‌باوری در جهان‌بینی زرتشت و اوستای متقدم

در جهان‌بینی زرتشت، سوشیانت (منجی) به کسانی اطلاق می‌شود که دارای رفتاری مبتنی بر سودرسانی هستند و برای حصول سعادت در تمامی سطوح جامعه به آنها نیازمندیم. از منظر زرتشت آنها ارتش اهورامزدا هستند، لذا هر چه تعدادشان بیشتر باشد بهتر است. (Hintze, 1995: 84) چنین به نظر می‌رسد واژه سوشیانت همچون کلمه اهورامزدا از ابداعات شخص زرتشت است (Mills, 1908: 121) چرا که مصداق و برابر آن را در وداها که متقدم بر گاهان است و از حیث زبان و مفاهیم ارائه شده قرابت‌های خانوادگی با آن دارد، نیامده است. Kellens J. (1974: 35) این جهان‌بینی که مبتنی بر خردباوری است ابزار مبارزاتی سوشیانت را خرد می‌داند که در کنار امداد اهورامزدا و امشاسپندان و با انجام شعائر دینی مفهوم پیدا کرده و غایت او سودرسانی به مردم است.

پورداوود در توضیح این واژه آن را معادل سو (Sava) به معنای سود و بخشایش می‌داند (پورداوود، ۱۳۸۱، ص. ۹۴) و شروو آن را دارای عصاره‌ی باروری و زندگی ترجمه می‌کند و معنی تحت‌اللفظی آن را کسی که دوباره جان می‌دهد (هستی) می‌داند. (Skjærvø, 1996: 241) گفتنی است نخستین سودرسان در گاهان خود اهورامزدا است. «اگر شما مردمان آیینی [را] که مزدا فرو فرستاد، دریافتید (از یک سو) آسایش (و از سوی دیگر) رنج زبان دیر پایا از برای پیروان دروغ و سود از برای پیروان راستی - پس آنگاه آینده به کام خواهد بود.» (یسنا، ۱۱/۳۰) همچنین به مصداق دیگر آمده است: «کردار، گفتار و پرستشی که از راه آن تو، ای مزدا، نامیرندگی، راستی و رسایی به دست می‌آوری، (سهمی از) آن (کردار، گفتار و پرستش‌ها) توسط ما که به تعداد بسیار (اکنون حاضریم) به تو پیشکش می‌شود.» (Helmut, 1991: 143)

به استناد سطور فوق؛ اهورامزدا اگر چه خود را سوشیانت نخوانده اما حتی اگر خوانده می‌شد امر غریبی نیست. به‌هرحال زرتشت در گاهان یا حداقل آن چیزی که باقی مانده است شش مرتبه به سوشیانت اشاره می‌کند سه بار به‌صورت مفرد و سه بار به صورت جمع (بویس، ۱۳۹۳، ص. ۲۲۵) بارتلومه بر این باور است که سوشیانت در شکل مفرد مراد از منجی (سوشیانت) خود زرتشت است و در شکل جمع منظور از کسانی است که او را در عمل نجات، یاری می‌بخشند. هر چند لمل در مورد سوشیانت مفرد، رأی دیگری ارائه می‌دهد. (Lommel, 1930: 229) و بر این باور است که به ناجی بزرگ‌تری اشاره رفته است. هینتز نیز در مورد سوشیانت بودن زرتشت معتقد است که زرتشت می‌تواند به‌طور حتم یک سوشیانت باشد اما او تنها سوشیانت نیست. (Hintze, 1995: 154) زرتشت پیامبر مصلحی است که خرد و خردورزی را هسته اصلی جهان‌بینی خود می‌داند و ناجی و سوشیانت را مجهز به این خرد می‌کند و آن را منحصر به فرد خاصی نمی‌پندارد. هر صاحب خردی که برای جامعه و مردم اهورایی سودی در پی داشته باشد سوشیانت (سودرسان) می‌پندارد. با قاطعیت می‌توان گفت که در گاهان سوشیانت چهره‌ای مرتبط با پایان گیتی_ فرشگرد_ و داوری انجامین نیست، بلکه اصطلاحی عام و آشنا برای همه آن نیک نفسانی است که خود زرتشت نیز در شمار آن‌هاست. با تلفیقی از اندیشه‌های پیشازرتشتی که سوشیانت به حکایت‌ها و داستان‌ها و قهرمانی‌هایی مزین می‌شود، این روند در اوستای متأخر نیز ادامه دارد. در اوستای متأخر سوشیانت گاه به‌صورت جمع آمده است و منظور پیشوایان و جانشینان زرتشت است که در تبلیغ کردن دین کوشا هستند و مردم را به راه راست هدایت می‌کنند، نجات‌بخشان آینده هستند و همان وظایفی را بر عهده دارند که زرتشت برای انجام رسانیدن آن برانگیخته شده است. « آنگاه به من (زرتشت) این هوم اشوی (پرهیزکار) دور دارنده مرگ، پاسخ داد: من هوم اشوی دوردارنده مرگم ای زرتشت سپیتمان! مرا بگیر برای خود بفشار برای آشامیدن، مرا بستای برای ستودن، آنچنان که سوشیانت‌های دیگر خواهند ستود» (پورداوود، ۱۳۸۰، ص. ۱۵۹)

سوشیانت‌ها نیروی پاک و بی‌آلایشی هستند که در استواری دین زرتشت می‌کوشند و در کنار امشاسپندان یعنی هفت نیروی مقدس از آنان سخن به میان می‌آید و این سوشیانت‌ها در اوستای متأخر به شکل اعم ستایشگران دین محسوب می‌شوند. «آماده‌ام که شما را ای امشاسپندان

ستاینده، زوت، خواننده، پرستنده، منادی، سرودگوی باشم بشما امشاسپندان اینک ستایش و نیایش، از برای سوشیانت‌های پاک ما اینک سعادت و تقدس « (پورداوود، ۱۳۸۰، ص. ۱۹۰) در کل ویژگی‌هایی که می‌توان برای تمامی سوشیانت‌های اوستای متأخر برشمرد عبارت است از خردمند بودن، اشو بودن و مددکار بودن، صاحبان فرکیانی و پیروزمند بودن، پیروان اندیشه نیک و یاوران اشه، نابودکنندگان خشم و از تخمه زرتشت. (راشد محصل، ۱۳۸۱، ص. ۸) همان‌طور که می‌بینیم در این اوصاف اصلاحات زرتشت، درباره تعریف منجی به وفور دیده می‌شود و صاحب خرد بودن و اشو بودن لازمه ناجی است و منجی در این اوصاف بیشتر وجه غالب دینی دارد نه وجه رزمی و این شاکله کلی منجی‌باوری زرتشتی را شامل می‌شود.

۴- منجی در باور زرتشتیان عهد اشکانی و ساسانی (اوستای جدید و منابع پهلوی)

۴-۱: تغییر فرسگرد به فرجام باوری

در اوستای جدید که نمود اندیشه دین زرتشتیان متأخر است، تغییرات ماهوی در تعریف سوشیانت شده است و تفاوت‌های چشم‌گیری مابین سوشیانت در اندیشه زرتشت گاهانی و دین زرتشتیان متأخر شکل می‌گیرد. سوشیانت‌ها به موعودهای سه گانه مبدل می‌شوند که می‌تواند برگرفته از تحولات سیاسی، اجتماعی زمان هخامنشی، اشکانی و ساسانی باشد و شکل‌گیری نحله‌های دینی چون زروانیسم و مطرح شدن مباحثی چون زمان بی‌کران و اکرامند و البته نباید از تبعات حمله اسکندر مقدونی و روایاتی که از جانب زرتشتیان در مورد او آمده است غافل ماند. بنابر روایتی زرتشتی؛ اسکندر گجستک ویرانگر سنت زرتشت است و در متونی چون ارداویراف‌نامه، فصل ۱: ۷-۳، دینکرد، ۴۴۱، ۴۴۶، ۴۱۳، ۴۲۳ از اسکندر به‌عنوان کسی که اوستا را سوزاند و در دین زرتشتی گسست و خلل ایجاد کرد، یاد می‌شود (Kotwal, 1982:49) اسکندر اوستا را سوزاند و روحانیون زرتشتی را کشت و همین موجبات تفرقه در دین و تشکیک در دین زرتشتی را فراهم آورد از این‌رو در قاموس روحانیت زرتشتی سلطه اسکندر گجستک، آغاز عصر تاریکی پنداشته می‌شود. پورداوود می‌گوید: "اوستای هخامنشیان دارای ۸۱۵ فصل بوده است منقسم به ۲۱ کتاب یا نسک در عهد ساسانیان وقتی که به جمع‌آوری اوستای پراکنده پرداختند فقط ۳۴۸ فصل به دست آمد که آن را هم به ۲۱ نسک تقسیم کردند. دانشمند انگلیسی وست ۲۱ نسک ساسانیان را به

۳۴۵۷۰۰ کلمه تخمین کرد. از این تعداد کلمات امروز ۸۳۰۰۰ کلمه در اوستای کنونی موجود است که تقریباً یک چهارم اوستای روزگار ساسانی است. " (پورداوود، ۱۳۸۷، ص. ۷۰)

تا پیش از زرتشت، ایزدان ناجی مردم بودند و در صورت رویداد واقعه‌ای چون شکست از اسکندر، در قاموس مردم ایزدان ضعیف شمرده نمی‌شدند بلکه بی‌ایمانی مردم و یا ندادن قربانی کافی را باعث شکست می‌پنداشتند اما با اصلاحات زرتشت و اینکه ناجیان مردم از جنس خود مردم بودند پس از شکست از اسکندر، این شائبه به وجود آمد که سوشیانت‌های زرتشت چرا نقش تاریخی ناجیان را ایفا نکردند؟ از این‌رو محتمل است که روحانیان و اتاق فکرهای دین زرتشت در پی تبیین این رویداد، غافل از نقش انسانی و اخلاقی سوشیانت‌ها به بازتعریف سوشیانت نشسته (Bremmer, 2002: 43) و با محدود کردن سوشیانت به فرزندان زرتشت و ظهور آن‌ها در پایان هر هزاره در قالب زمان کرانمند (شوارتس، ۱۳۸۵، ص. ۵۶۶) و استیلای اهریمن در طول این هزاره‌ها و همچنین جلوه دادن چهره اسکندر بعنوان یک موجود اهریمنی (اسکندر گجستک) سعی در باورپذیری اندیشه منجی باوری بعنوان یکی از نحله‌های دین زرتشت، و از سویی به سینه‌ی دوران سلوکی، بعنوان حکومتی اهریمنی دست زدند.

به‌هرحال سوشیانت که در گاهان چهره‌ای مرتبط با پایان گیتی و داوری انجامین نداشت (شوارتس، ۱۳۸۵، ص. ۴۴۴) نقش دیگر باره یافته و در پایان هر هزاره بعنوان ناجی که جهان را از اهریمنان می‌زداید ظاهر می‌شود. لازم به ذکر است که نطفه این فرجام‌شناسی و آخرالزمان باوری در همان گاهان بسته شده است. (Moulton, 1972: 32) "ای مزدا، مرا از بهترین گفتارها و کردارها بی‌اگاهان _ شما ای بهمن و ای اردیبهشت از آن ستایش که وام (بندگان است از توانایی‌هایتان ای اهورامزدا آشکار ساز که زندگی به خواست‌تان خرم (خوش) گردد. " (یسنا، هات ۱۵) اما فرشگرد هستی در گاهان نه عملیاتی خاص فرجامین به‌وسیله‌ی چهره‌ای فرجامین بلکه تلاش همگانی اشوها در جهت خرم‌سازی یا نوسازی جهان است.

۴-۲: تغییر جهان‌بینی فلسفی به جهان‌بینی اسطوره‌ای

پس از حمله اسکندر بحث فرشگرد و سوشیانت صورت دیگرگونه به خود گرفت و فرش کردن از حالت تکوینی به امری فرجامین و سوشیانت از اعم اشون‌ها، به اخص فرزندان زرتشت مبدل شد. این اندیشه در زمان اشکانیان بالندگی بیشتری پیدا کرده و یقیناً در عهد ساسانی شکل نهایی خود

را یافته است. یکی از پیامدهای این تغییر نگاه، تغییر نگاه فلسفی و عقلانی زرتشت به جهان بینی اسطوره‌ای است. جهان بینی که مملو از روایات و حکایات است و تعهد به این روایات اساطیری برای روحانیان زرتشتی امری ضروری به نظر می‌رسد. کما اینکه ساسانیانی که از دل روحانیت بیرون آمده بود (اردشیر سرسلسله حکومت ساسانی فرزند بابک و بابک موبد آتشکده آناهید بود) آن قدر با این ایده و اسطوره در آمیخته بودند که درصدد رد آن برنیامدند و از سویی پایان هزاره پس از زرتشت بنابر روایات ملی (یعنی ۳۸۵ قبل از اسکندر) مصادف با حاکمیت خود آن‌ها بود. از این رو در جهت تبیین این اندیشه در اذهان عموم با کوتاه کردن عمر اشکانیان و از بین بردن تاریخ آن‌ها سعی در به تعویق انداختن ظهور نخستین سوشیانت (هوشیدر) داشتند. (مسعودی، ۱۳۶۵، ص. ۲۷۶) به هر روی این تمهید ساسانی نشانگر نهادینه شدن این اندیشه در اذهان مردم عهد ساسانی و یا حداقل طبقه روحانیت بوده است. خاصه آنکه پایان هزاره پس از زرتشت بر اساس منابع دینی مصادف با زندگی موبدان موبد آذرباد مهرسپندان بوده (کسی که خرده اوستا را به نوشت) (تفضلی، ۱۳۸۲، ص. ۴۲) پر بی راه نیست که حکومت مذهبی چون ساسانیان که بخشی از مشروعیت خود را با شعارهای دینی به دست آورده است برای پاسخگویی به اذهان عموم با کوتاه کردن عمر اشکانیان سعی در به تعویق انداختن ظهور داشته باشند.

آنچه از گفته‌های بالا بر می‌آید این است که تغییر نگاه زرتشت نسبت به سوشیانت که خیل سود رسانندگان و اشون‌های زرتشتی بودند به ناجیان پایان هر هزاره در زمان اشکانیان، کلید خورده است. بهر حال گردآوری و تنظیم اوستا طبق گزارش دینکرد در زمان شاه ولخش بوده (گمان می‌رود که بلاش اول شاه پارتی بود که در سال‌های ۵۱ تا ۷۸ پیش از میلاد حکومت می‌کرده) و این گردآوری بی‌انجام اصلاحاتی اتفاق نیفتاده است و این اصلاحات محتمل است در زمان تنسر و آذربادمهراسپندان ادامه یافته باشد.

۳-۴: منجی باوری در روایات اساطیری متون پهلوی

آنچه در تعریف روایت اسطوره‌ای می‌آید: داستان و سرگذشتی مینوی که شرح عمل، عقیده یا نهادی است که دست کم بخشی از آنها از سنت‌ها و روایت‌ها گرفته شده است و با آیین‌ها و روایت‌های دینی پیوندی ناگسستنی دارد (الیاده، ۱۳۹۳، ص. ۲۷) بنا به روایت اساطیری که زرتشتیان

ذیل مفهوم سوشیانت آورده‌اند عمر جهان ۱۲ هزار سال است که به چهار دوره سه‌هزارساله تقسیم می‌شوند. این دوازده هزار سال را می‌توان به دو دوره تقسیم کرد. دوران اختلاط نیکی و بدی که حاصل آن جهان کنونی است، شش‌هزار سال دوم را متشکل می‌شود که نیمه دوم آن یعنی سه هزاره آخر، مهم‌ترین زمان کارزار اهورمزدا و اهریمن است و از این‌رو دارای اهمیت خاصی است. در آغاز این دوره است که اهورمزدا برای هدایت مخلوقات و فراهم آوردن وسایل و امکانات پیروزی خیر بر شر، زرتشت را مبعوث می‌کند (باقری، ۱۳۸۶، ص. ۵۴) و در پایان هر هزاره پس از زرتشت یک منجی ظهور می‌کند تا عصر زرتشت را تجدید کند و آیین دینداری و رستگاری را در بین مردم مروج باشد و ناجی دین مزدیسنا باشد. و در این راه انقلاب‌های کیهانی و سماوی که از جمله آن تغییر مسیر خورشید، ماه و ستارگان آنان را همراهی می‌کنند به طور مثال؛ در زند وهومن یسن آمده به هنگام ظهور هر یک از منجیان زرتشتی به ترتیب خورشید ده، بیست و سی شبانه روز در آسمان می‌ایستد (زند وهومن یسن، ۱۳۸۳، ص. ۵۲) و در جاماسب‌نامه توقف خورشید از معجزات منجیان بر می‌شمارد. (جاماسپی، ۱۹۰۳، ص. ۸۹) در بندهشن که از مهم‌ترین منابع زرتشتی است و از منجیان سخن به میان آورده است این‌گونه روایت کرده است: «زرتشت سه بار نزدیک زن خود (هووی) شد و نطفه او در هر سه بار به زمین ریخت و «نریو سنگ» آن نطفه را به آن‌ها سپرد و تا هنگام به وجود آمدن هر یک از منجیان، فروهر پاکان از این نطفه مقدس نگهداری می‌کنند.» (دادگی، ۱۳۶۹: بند ۱۵۲ : ۲۳۶) همچنین در فروردین یشت آمده: «فروهرهای مقدس و توانای پاکان را می‌ستایم که ۹۹۹۹۹ نفر از آنان به پاسبانی نطفه اسپیتمان زرتشت مقدس گماشته شده‌اند» (اوستا، فروردین یشت، فقره ۶۳)

۴-۳-۱: هوشیدر

در پایان هزاره‌ی پس از زرتشت با زاده شدن هوشیدر از دوشیزه‌ای به نام سروتت فذری از خاندان زرتشت (آموزگار، ۱۳۷۶، ص. ۷۷) آشوب‌هایی در ایران شکل می‌گیرد. هیون و ترک به ایران می‌تازند و خانه‌ها را ویران می‌کنند و سالی حکومت می‌رانند تا بهرام ورجاوند از سوی کابلستان یا هندوستان برمی‌خیزد و آشوب‌ها را آرام می‌کند. حضور هون‌ها و ترک‌ها که برخورد تاریخی آن‌ها با مرزهای ایران در زمان ساسانی و شاپور دوم (هم عصر آذرباد مهرسپندان) خود مؤید تأثیرگذاری روحانیت ساسانی بر روایات اساطیری و دینی بوده است به‌رحال منجیان زرتشتی زمانی ظهور خواهند کرد

که جهان از طغیان اهریمن تباه گشته و مخلوقات ایزدی به ستوه آمده باشند (ر.ک: پورداوود، ۱۹۳۷، ص ۳۸-۳۷) در این زمان، هوشیدر ظهور می کند و دین زرتشت را پالوده می کند و بدعت ها را بر می دارد و آن را به شکل اولیه برمی گرداند (راشد محصل، ۱۳۸۱: ۸۱) و به مدت ۱۵۰ سال به عدل و انصاف می کوشد و به مدت ۳ سال مردمان با هماهنگی بیشتر به دور از آفریدگان بد زندگی می کند (هیلنز، ۱۳۶۸، ص ۹۱) بخشی از آفریدگان اهریمن یعنی نوع گرگ نابود می شود. با این همه بازسازی جهان کافی نیست، بدی هنوز هست و بار دیگر اظهار وجود خواهد کرد. (هیلنز، ۱۳۶۸، ص ۱۰۷) همچنین در همین هزاره است که ملکوس، از تخمه توربراتور که عامل مرگ زرتشت بود، به پیدایی می رسد و سهمگین بارانی را که ملکوسان خوانند، سازد. سه سال به زمستان، آن که سردترین است و به تابستان، آن که گرم ترین است، با بیشمار برف و تگرگ آفرینی نابودگر، آن گونه همه ی مردم، مگر اندکی نابود شوند (دادگی، ۱۳۶۹، ص ۱۴۲) این دیو در نهایت به نفرین مزدسینا (به روایت دینکرد به وسیله "دهمان آفرین") به هلاکت می رسد. بدین ترتیب، اشون ها می دانند که هزاره زرتشت به پایان رسیده است و بر ناباوران و همگان روشن می شود که پدیده های شگفت و خارق العاده به وقوع پیوسته است (میرفخرایی، ۱۳۶۷، ص ۴۸)

۴-۳-۲: هوشیدرماه

در پایان هزاره دوم هوشیدرماه- اوخشیت نمنگه (فزاینده نماز و ستایش) (پورداوود، ۱۹۳۷، ص ۱۵) زائیده می شود (آموزگار، ۱۳۷۶، ص ۷۷) با آمدن هوشیدرماه شیرگوسفندان (حیوانات اهلی) به حداکثر افزایش رسد و دیو گرسنگی و تشنگی (تئوری زئیریج) نزار و لاغر می گردد، و مردم از یک وعده غذا برای یک شبانه روز سیر می شوند ... کمی پیری و افزونی زندگی با رشد آزادی و آشتی بهترین رادی و رامش (دینکرد هفتم، بخش ۱۰: بند ۳ و ۲) در هزاره آخر کسی نمی میرد مگر اینکه او را با اسلحه بکشند یا از پیری بمیرد. ۵۲ سال به پایان این هزاره مانده گوشت خواری را رها می کنند و فقط از مینو تغذیه می کنند (همان بند ۹-۷) و هوشیدرماه و تباهی را معدوم می سازد (رضایی؛ ۱۳۶۸: ۱۶۲) مارها از بین می روند (هیلنز ۱۳۶۸: ۱۰۸) در این زمان ضحاک (بزرگ ترین اهریمن) از زندان دماوند بیرون آمده و یک سوم مردم و گاو را از بین می برد (زند وهومن یسن، ۱۳۸۳، ص ۷۹) اهورامزدا نیز بازنده کردن گرشاسپ نریمان، ضحاک را از بین ببرد (میرفخرایی، ۱۳۶۷، فصل ۴۸ بعد)

۴-۳-۳: سوشیانت

بنا به روایت گزیده زادسپرم در پایان هزاره سوم، ۵۷ سال به فرشگرد کرداری مانده، سوشیانت زاده شود (گزیده زادسپرم، ۱۳۶۷، ص. ۴۶) نیز با ظهور سوشیانت اهریمن و دیو دروغ نابود می‌شوند و یاران جاودانی سوشیانتس قیام می‌کنند و نماز جماعت به جا می‌آورند و مردگان از قبر برمی‌خیزند و عالم مینوی روی نماید. (رضایی، ۱۳۶۸، ص. ۱۶۸) اما پیش از برانگیختن مردگان سوشیانت سپاهی بر می‌انگیزد و به کارزار با دیو بدعت (اشموغی) می‌رود، و با کمک امشاسپند شهرپور او را شکست می‌دهد و او را به دوزخ می‌فرستد (میرفخرای، ۱۳۶۷، ص. ۷۳) همچنین در ادامه سوشیانت ۵ یشت بخواند و دیوان در ۵ مرحله به دوزخ می‌روند (میرفخرای، ۱۳۶۷، ص. ۶۳-۶۲). یاران استوت ارت (سوشیانت) پیروزمند به درآیند، آنان نیک‌اندیش، نیک‌گفتار، نیک‌کردار و یک‌دین‌اند و هرگز سخن دروغ بر زبان نیاورند» (زامیاد یشت: ۹۵) آنها ۱۵ مرد و پانزده زن هستند که او را همراهی می‌کنند (بندهش، ۱۳۸۰، ص. ۲۵۰) یاران جاویدانی چون کیخسرو، گیو، گودرز، طوس، پشتوتن و سام گرشاسب ... (پورداوود، ۱۳۰۶، ص. ۴۷) همچنین هاشم رضی از شش پارسا و نامور یاران موعود در آخرالزمان و رستاخیز یاد می‌کند که عبارتند از: رأچس چشمن، فرادت خورنه، وئور وئمه، وئور وئوه (رضی، ۱۳۸۹، ص. ۱۷)

در زمان او کیخسرو به مدت ۵۷ سال پادشاه ۷ کشور است (میرفخرای، ۱۳۶۷، ص. ۴۸) سوشیانت به‌عنوان قوی‌ترین و برترین اصلاح‌گر و تجدیدگر آیین مزدسینا در جهان ظاهر می‌شود و بنا به مندرجات کتاب پهلوی دادستان دینیک او در این مدت در کشور مرکزی خونیرس فرمانروا خواهد بود (نک: بندهشن، بخش ۱۵، بند ۲۷) در مدت پنجاه‌وهفت سال جهان را برای رویدادهای مهم آخرالزمان آماده خواهد کرد (باقری، ۱۳۸۶، ص. ۵۶-۵۵)

۵- رستاخیز

سوشیانت به کمک کیخسرو و دیگر یارانش محشر به پا می‌کند و ارواح مردگان را بدون استثناء از کیومرث که نخستین انسان بود تا آخرین آنها دوباره به اجسام‌شان بازمی‌گرداند. (باقری، ۱۳۶۸، ص. ۵۶) در این معاد یا تن‌پسین، مردم یکدیگر را خواهند شناخت و خویشان یکدیگر را باز خواهند یافت. (ر.ک: دادگی، ۱۳۶۹، بند ۲۲۳، ۱۴۶) این زمان هنگام داوری نهایی و عمومی است. در این داوری همگانی که در محضر اهورامزدا صورت می‌گیرد، بار دیگر گنه‌کاران از درستکاران جدا

می‌گردند و رهسپار بهشت یا دوزخ می‌گردند. (باقری، ۱۳۶۸، ص. ۵۶) اما مهم‌ترین عمل آخر زمان نابودی اهریمن و دیوان در نبرد نهایی است (Molē, 1963:71) بدین ترتیب که دیو آز، همه دیوان و زاده‌های اهریمنی را می‌خورد و ایزد سروش دیو آز را مقهور می‌سازد و اهورامزدا اهریمن را شکست داده، او را از فعالیت باز می‌دارد. (West, 1892:37) در این هنگام عمل (فرشگرد) نو کردن جهان شروع می‌گردد و پایان عمر جهان شروع رستاخیز و داوری است (ملاصدرا، ج ۶، ص. ۱۶۵). بدین شرح که شهابی از آسمان می‌افتد و تمامی فلزات و معادن موجود در دل کوه‌ها را ذوب خواهد کرد و پس از سوختن جهان در یک آتش‌سوزی هولناک، سیلی جوشان از فلزات گداخته برای گناهکاران سخت است. ولی به نظر نیکوکاران چنین می‌نماید که از رودخانه‌ای از شیر گرم می‌گذرد. (بهزادی، ۱۳۶۸، ص ۱۱۴) ضمن عبور از این سیل که از آزمایش ایزدی خوانده می‌شود، شیاطین به زیر زمین می‌روند. (Jong, 2005: 52) گناهان و معاصی گناهکاران به کلی از بین رفته، وجودشان پاک می‌شود. از این پس دیگر نیک و بد از یکدیگر جدا نیستند، بلکه همه با هم جمع‌اند و یکسان. آنگاه این زمین تا ستاره پایه (سپهر ستارگان) بلند می‌شود و گرزمان (بالا ترین مرتبه بهشت) تا ستاره پایه پایین می‌آید و سراسر زمین بهشت می‌شود و از آن پس همه‌ی مخلوقات اهورایی در این سرزمین، بی‌مرگ و نیاز، در شادی و رامش جاودانه خواهند زیست. (باقری، ۱۳۸۶، ص. ۵۷) در آن زمان مردمان بدنی درخشان خواهند داشت، آب گل‌آلود نخواهد شد و آتش بدون دود خواهد بود. مردان و زنان با هم آمیزش خواهند کرد، ولی زاد و ولد نخواهد بود، جز برای آن‌هایی که در طی زندگی از لذت داشتن فرزند محروم بوده‌اند. (آموزگار، ۱۳۸۲، ص. ۸۸)

دوره‌ی ۵۷ ساله سوشیانس، دوره تکامل موجودات اورمزدی است، همه‌ی دیوان از نسل دو پایان و چارپایان نابود می‌شوند. (Jaffari- Dehaghi, 1998: 49) بیماری و پیری و مرگ و آزار و ظلم و بدعت و همه‌ی بدی‌ها از میان می‌رود، گیاهان همیشه در سرسبزی و رویش‌اند و همه آفریدگان در خوشی به سر می‌برند، هفده سال گیاه خوراک مردم است، سی سال آب و ده سال خوراک‌شان مینوی است. (ر.ک: دینکرد هفتم: بخش ۱۱) هدیه جاودانگی هنگامی اعطا می‌شود که سوشیانت در نقش موبد، قربانی نهایی را با آخرین حیوانی که برای خدمت‌رسانی به بشر

کشته می‌شود، انجام دهد. این قربانی گاوی است به نام هدیوش که در تاریخ اولیه اساطیر نقش مهمی داشته است. (هیلنز ۱۳۶۸، ص. ۱۱۰)

اورمزد در نخستین روز از پنج روز آخر سال (خمسسه مسترقه یا پنجه دزدیده) از آسمان پایین می‌آید، بر تخت می‌نشیند و داوری همگانی را رهبری می‌کند. درستکاران به بهشت می‌روند و دوزخیان برای باز پس دادن کفاره‌ای دیگر، برای سه روز دیگر به دوزخ بازمی‌گردند و سرانجام سپیندارمذ، ایزد بانوی زمین، در پیش اورمزد برای گناه‌کارانی که هنوز در دوزخ هستند (Duchensne-Guillemine, 1958: 86-96) شفاعت می‌کند و آن‌ها دوباره به زمین بازمی‌گردند. درستکاران نیز دوباره بر روی زمین می‌آیند (Ibid:88)

تغییر در نگاه منجی‌باوری

آنچه که از روایت‌های اساطیری فوق‌الذکر برمی‌آید؛ طی سده‌های متوالی روایت فرجام شناسانه زرتشتیان جایگزین فرشگرد زرتشت می‌شود از اینرو سوشیانت بعنوان ناجی فرجامین و موعود جهان هستی جایگزین سوشیانت‌هایی می‌شود که در نو کردن جهان، به عنوان پاکدین‌های اشون در هر کجا می‌توانستند حضور داشته باشند. از سویی این جایگزینی در کنه خود روایات اساطیری را به همراه دارد که در بستر زمان کرانمند رخ می‌دهد و موجب شکل‌گیری روایت فرجام‌شناسانه‌ی ایرانی می‌شود که میان آغاز و انجام آن هماهنگی منحصر به فردی وجود دارد. (Hultgård, 1999: 44) همچنین منجی اوستای متأخر، جهان شمول‌تر از سوشیانت گاهانی است و نه تنها کار نجات زرتشتیان بلکه نجات نوع بشر را بر عهده دارد و فصل ختام جهان آفرینش محسوب می‌شود. اما مهم‌ترین تغییری که در نوع نگاه به سوشیانت از زرتشت تا زرتشتیان قرون بعد رخ داده است می‌توان تغییر نگاه فلسفی و عقلانی زرتشت در گاتاها به نگاه اساطیری مملو از روایات و حکایات دانست که خاصه در منابع پهلوی ظاهر می‌شوند.

نتیجه‌گیری

آنچه از این مقاله برمی‌آید، منجی‌باوری در اذهان عمومی ایرانیان پیش از اسلام سیر تکوینی را طی نموده است و در این سیر، از وجه ملموس و عقلانی سوشیانت در اندیشه گاهانی کاسته می‌شود و بر وجه اساطیری و فرجام‌شناسانه و آخرزمانی موعود افزوده می‌شود. از سویی سوشیانت‌های گاهان عمومیت بیشتری داشته و معیار آنها؛ اشون بودن آنها و تلاشی بود که برای فرشگرد جهان داشتند

اما در منجی‌باوری منابع پهلوی، موعود فردی منحصر به فرد و نژاده است که زندگی فردی او مبتنی بر روایتی اساطیری است و توان اعمال خارق‌العاده را دارد یعنی از وجه منطقی گاهان در روایات پهلوی بر وجه اسطوره محور آن افزوده می‌شود.

در این مقاله جهت پاسخ به چگونگی و چرایی تحول اندیشه منجی‌باوری از عهد زرتشت (اوستای متقدم) تا روایات منابع پهلوی این سیر تطور در سه سرفصل؛ پیشینه منجی‌باوری در اندیشه آریایی‌ها و اصلاح اندیشه منجی در جهان‌بینی زرتشت و همچنین فرجام‌شناسی و موعوگرایی متاخر مورد مطالعه قرار گرفت که در مرحله نخست؛ منجی زورمند و صاحب قدرت و پذیرفته شده در اذهان عموم و سوار بر روایت‌های اسطوره‌ای‌ست و دارای جنگ‌افزارهایی (گرز و شمشیر و ...) برای از بین بردن دشمنان است. منجی در این اثنا ایزد (مهر) است به تبع او از میان پادشاهان و پهلوانان (جمشید) به‌عنوان ناجی برگزیده شده است.

در مرحله دوم که مهم‌ترین منبع آن گاهان است سوشیانت‌ها اشون‌هایی خیرخواه و صاحب خرد بودند که یاری‌گران دین زرتشت و آبادگران جهان بودند که محتمل است از هر طبقه‌ای از جامعه باشند و تعداد و کثرت آنها مورد بحث نیست. در این دوران سوشیانت وجه عقلانی داشته و ملموس و عینی به نظر می‌آید و کمتر روایت‌های اسطوره‌ای بر آن حاکم است. اما در عقاید زرتشتیان متأخر؛ وجه اسطوره‌ای منجیان چون دوران پیشازرتشت نمود یافته که به شکل کلی مشتمل بر ظهور سه فرزند زرتشت است که در پایان هر هزاره می‌آیند. به تأسی از آرای زرتشت الزاماً از جماعت زورمندان و پهلوانان و شاهان نیستند بلکه روحانیانی هستند که خون زرتشت در رگان خود دارند، ابزار آن‌ها خواندن یشت و حمایت اهورامزدا و امشاسپندان است. اما همراهی شاهان اسطوره‌ایی (کیخسرو) و پهلوانان نامی روایت‌های ملی (گیو، گودرز، طوس، پشوتن، سام گرشاسب) را با خود دارند که یادآور روایات اساطیری و حماسی عهد اشکانی است و از سویی حضور این شاهان و پهلوانان قطع به یقین در باور‌پذیری اسطوره سوشیانت در اذهان عموم مردم و پذیرش آن در میان نخله‌های فکری متفاوت مثمر‌ثمر افتاده است. همچنین از دیگر فصول تمایز ناجیان گاهانی و موعودهای آخرزمانی وجه غالب جهان‌شمولیت آنهاست که در آن منجیان نه تنها کار نجات زرتشتیان بلکه نجات نوع بشر را بر عهده دارند که یادآور حکومت جهانی هخامنشیان و

تاثیرگذاری آن در موعود باوری است. به هر حال امتزاج اندیشه منجی باوری پیشازرتشت با اندیشه‌های زرتشت در بستری از رویدادهای تاریخی بدین شکل در منابع پهلوی نمایان می‌شود.

منابع

- آذرفرنبغ (۱۳۸۶). کتاب پنجم دینکرد، ژاله آموزگار/احمد تفضلی، تهران، معین.
- آموزگار، ژاله (۱۳۸۲). *اسطوره زندگی زرتشت*، تهران، چشمه.
- آموزگار، ژاله (۱۳۸۲). *تاریخ اساطیر ایران*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
- الیاده، میرچا (۱۳۹۳). *نمادپردازی امر قدسی و هنرها*، ترجمه مانی صالحی علامه، تهران، نیلوفر.
- باقری، مهری (۱۳۸۶). *دین‌های ایران باستان*، تهران، قطره.
- بهزادی، رقیه (۱۳۶۸). *بندهش هندی*، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- بلعمی، ابوجعفر محمد بن محمد (۱۳۸۵). *تاریخ بلعمی*، به تصحیح محمد تقی بهار، چاپ سوم، تهران: زوار.
- بویس، مری (۱۳۹۳). *تاریخ کیش زرتشت؛ همایون صنعتی زاده*، تهران، نشر گستره.
- پورداوود، ابراهیم (۱۹۳۷). *سوشیانس- موعود مزدیسنی*، تهران، فروهر.
- پور داوود، ابراهیم (۱۳۷۸). *گاتها مهم‌ترین بخش اوستا*، تهران، اساطیر.
- پورداوود ابراهیم (۱۳۸۱). *یادداشت‌های گاتها*، تهران: اساطیر.
- پورداوود ابراهیم (۱۳۸۰). *یسنا*، تهران، انتشارات اساطیر.
- پورداوود ابراهیم (۱۳۴۷). *یشت‌ها*، تهران، کتابخانه طهوری.
- پورداوود، ابراهیم (۱۳۷۷). *یشت‌ها*، ۲ جلد، تهران، اساطیر.
- ساسانفر، آبتین (۱۳۹۰). *گاتها: سروده های اشو زرتشت*، تهران، بهجت.
- شوارتس، م. (۱۳۸۵). *دین ایران هخامنشی در تاریخ ایران کمبریج*، ج ۲، به سرپرستی ایلیا گرشویچ، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران، نشر جامی.
- تفضلی، احمد (۱۳۸۲). *تاریخ ادبیات ایران پس از اسلام*، تهران، سخن.
- تفضلی، احمد (۱۳۶۴). *مینوی خرد*، تهران، توس.
- جاماسپی (۱۹۰۳). *جاماسپنامه فارسی*، به کوشش مدن، بمبئی.
- جاماسبجی، جاماسپ آسا (۱۴۰۰). *کیخسرو، اردویرافنامه*، تصحیح رحیم عفیفی، تهران، توس.
- جلالی نایینی، سید محمدرضا (۱۳۷۲). *ریگ ودا*، تهران، نشر قطره.

حسین (أصف)، سید حسن (۱۳۸۲). *کیهان‌شناخت و فرضیه ادوار جهانی هندو هفت آسمان*، شماره ۲۰، ۴۶-۴۷.

دادگی، فرنیغ (۱۳۶۹). *بندهش*، به گزارش مهرداد بهار، تهران، توس دوستخواه، جلیل (۱۳۷۹). *اوستا مهم‌ترین سرودهای ایرانیان*، تهران، مروارید. راشد محصل، محمد تقی (۱۳۸۱). *نجات بخش در ادیان*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

راشد محصل، محمد تقی (۱۳۶۶). *گزیده‌های زادسیرم*، تهران، انتشارات موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

رضی، هاشم (۱۳۸۹). *سوشیانت*، تهران، بهجت. ساسانفر، آبتین (۱۳۸۶). *اوستا- برگردان هفت هات از گاتاها*، تهران، علم. شایگان، داریوش (۱۳۶۳). *ادیان و مکتب‌های فلسفی هند*، تهران، امیرکبیر. فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۴). *شاهنامه*، چاپ عکس نسخه خطی، به کوشش ایرج افشار و محمود امید سالار، تهران، طلیه.

فرخزادان، آذر فرنیغ؛ آذرباد امیدان (۱۳۹۷). *دینکرد*، ترجمه فریدون فضیلت، تهران، برسم. فضیلت، فریدون (۱۳۹۹). *دینکرد*، تهران، برسم.

مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۳۶۷). *مروج الذهب و معادن الجواهر*، ترجمه جعفر شعار، (چاپ دوم). تهران، انتشارات موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

میرفخرایی، مهشید (۱۳۶۷). *روایت پهلوی (متنی به زبان پارسی میانه)*. تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

هدایت، صادق (۱۳۸۳). *زند وهومن یسن (بهمن یشت)*، تهران: سینا. هینلز، جان راسل (۱۳۸۶). *شناخت اساطیر ایران*، ترجمه ژاله آموزگار، احمد تفضلی، تهران، چشمه.

References

- Bremmer, J. N. (2002) *The Rise and Fall of the Afterlife*. London.
 Cohn- Sherbok Dan (1997) *The Jewish Messiah*, T&T Clark, Edinburgh.
 Darmesteter (1892-1893) *le zend – Avesta*, vol 3. Paris.
 Dhalla, Maneckji Nusservanji (1963) *History of Zoroastrianism*, The K. Cama Oriental Institute, Bombay.
 Duchesne-Guillemin (1958) *the Western Response to Zoroaster*, oxford: university press, oxford.

- Duchensne- Guillemin(1948) *Zoroaster: Étude critique avec une traduction commentée des gātha*. paris.
- Jaffari-Dehaghi(1998) *Dādestān Dēnīg*. pt. 1, Transcription Translation and Commentary, Paris.
- Jong .A(2005) "*Eeuwing. Ongeschapen, maar zonder 'bestan': De Boze Geest en Ziin werkeliiheid in het zoroastrisme* " In Des Duivels Her Kwaad in Religieuze en Spirituele Tradities ed.R. WICHE 51- 64. Leuven.
- Hintze Almut(1995) "*The Rise of The Saviour in The Avesta*" in Christiane Reck unt Peter Zieme(eds), Iran und Turfan, Harrassowitz, Wiesbaden.
- Hinze.w(1961) *Zarathustra*. W.kohlhammer, Stuttgart.
- HULTGård Andres(1999) "*Persian Apocalypticism*" in john j. Collins (ed), The Encyclopedia of apocalypticism, Vol.1: The Origins of Apocalypticism In Judaism and Christianity, Continuum, NewYork.
- Humbach Helmut(1991) *The Gathas of Zarathushtra. In Collaboration with J.Elfenbein and P.O. . Skjærvø*. 2vols. c. winter. universitätverlag. Heidelberg. Voll.
- Jamshid, The wisest Iranian King*, CHISTA MEDIA A New window To Iran
- Kellens. J(2000) *Essays on Zarothustra and Zoroastrianism*. Trans and ed. P.o. Skjærvø . costamesa.
- Kellens J(1974) *la quatriéme natssance de zarathushtra*. Paris.
- Kellens J(1974) "*Saošiiant*"in *Studia Irania Vols2*.
- Klausner Joseph(1925) *Jesus of NAZARETH: his Lipe, Times and Theaching*, London: Macmilian.
- Kotwal.F,M.Kreyenbroek,P.G(1982)*ALEXANDER,HEGREAT.In Zoroastrian Trad,Tion*.Encycopadin Iranica.
- Lommel herman(1930) *Die Religion Zarathustra nach dem Avesta daryestell T*, J.C.B. Mohr (Paul Siebeck) Tubingen.
- Mills Lawrence H(1908) *Avesta Eschatology*, Chicago: The open Court publishing company.
- Molē .m(1963) *Culte mythe et cosmologie dons iran ancien: la problem zoroastriem et la tradion mazdéenne* . paris.
- Moulton James. H(1927) *Early Zoroastrianism: The Origins, The Prophet, The Magi*. Philo Press, Amesterdam.
- Mowinckel S(1959) *He that that Comet*, tran: G.W. Anderson, Oxford.
- Piloo Nanavutty(2006) *The Gathas of Zarathushtra*, Mapin GP Pty Ltd. Hymns in Praise of wisdom.
- Skjærvø p.o(1996) "*Zarathustra in the Avesta and in Maniehism Irano-Manicha IV*" in *la parsia e Asia Centrale da Alessandro alx secolo*. West .E.W(1892) *Pahlavi Texts*. Pt . 4.Contents of the East 37. Oxford.